



97177

موضوع پایان نامه:

شناخت مخالفان امام علی (ع) و جایگاه آنان
در نهج البلاغه

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته معارف نهج البلاغه
گرایش اصول دین و معارف علوی

استاد راهنما:

دکتر مجید معارف

استاد مشاور:

دکتر کاظم عسکری

نگارش:

علیرضا افشون

خرداد ماه ۱۳۸۵

۹۶۸۶۶

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۸

کتابخانه مرکزی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تقدیر و تشکر

سپاس بی حدّ خداوند مَنان را که حدود یکسالگی قرب جوار ثامن الحجج علی ابن موسی الرضا(ع) را روزیم گردانید، گر چه اینجانب را قابلیت لازم برای استفاده از این فرصت بی نظیر نبود. اکنون بر خود لازم می دانم از همه بزرگوارانی که مرا با کلام خدا و سنت معصومین علیهم السلام آشنا نموده و افقهای تازه‌ای بر رویم گشودند، صمیمانه تشکر نمایم خصوصاً از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر مجید معارف که راهنمای اینجانب بوده‌اند و جناب دکتر کاظم عسکری که با تذکرات بجای خود مرا در انجام این تحقیق یاری نموده‌اند.

تقدیم به

پیشگاه مولی الموحدین، امیر المؤمنین علی (ع)، کسی
که در راه خدا تحت تأثیر هیچ ملامتی واقع نشد و لحظه‌ای
از حق عدول نکرد. مدار حق بود و حق برگرد او می چرخید.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

چکیده الف

پیشگفتار ب

بخش اول: جریانهای سیاسی مخالف امام علی (ع)

مقدمه بخش ۲

فصل اول: ناکثین ۴

ناکثین و علل پیدایش آن ۴

رهبران جریان ناکثین از نگاه پیامبر (ص) ۶

طلحه و زبیر در نگاه امام علی (ع) ۹

عایشه و کینه و حسادت او نسبت به امام علی (ع) ۱۵

عایشه در نگاه امیر المؤمنین (ع) ۱۷

واقعه جمل ۱۹

فصل دوم: قاسطین ۲۸

قاسطین و چگونگی پیدایش آن ۲۸

معاویه از نگاه پیامبر (ص) ۳۲

معاویه در کلام امام علی (ع) ۳۴

- تبلیغات سوء معاویه علیه امام علی (ع) ۳۷
- بدعت‌های معاویه ۴۲
- عمر و بن العاص از نگاه پیامبر (ص) ۴۴
- عمر و عاص در نگاه امیر المؤمنین (ع) ۴۵
- اشعث بن قیس در کلام علی (ع) ۵۱
- نقش اشعث بن قیس در جنگ صفین ۵۴
- جنگ صفین ۵۷
- موضعگیری امام علی (ع) و جریان حکمیت ۶۱
- فصل سوم: مارقین** ۶۶
- مارقین و علل پیدایش آن ۶۶
- جریان خوارج از نگاه پیامبر (ص) ۶۸
- خوارج در نگاه امام علی (ع) ۷۰
- نبرد نهر روان ۷۶
- فصل چهارم: حزب قاعدین** ۸۲
- حزب قاعدین و علل پیدایش آن ۸۲
- قاعدین در نگاه پیامبر (ص) ۸۶
- موضعگیری امام علی (ع) در برابر حزب قاعدین ۸۸

۹۲ فصل پنجم: منافقین
۹۲ منافقان و بیمار دلان در جبهه علی (ع)
۹۲ جریان نفاق در نگاه پیامبر (ص)
۹۵ منافق در نگاه امیر المؤمنین (ع)
۹۸ نمونه‌هایی از منافقان در عصر امام علی (ع)

بخش دوم: روش‌های برخورد مخالفان امام علی (ع)

۱۰۵ مقدمه بخش
۱۰۶ ۱- کتمان حقایق در عصر امام علی (ع)
۱۰۹ ۲- تبلیغات علیه امام (ع)
۱۱۳ ۳- تحریفات مغرضانه مخالفان
۱۱۸ ۴- تشویق و تحریک دشمنان
۱۲۱ ۵- شورش و قیام در برابر امام (ع)
۱۲۴ ۶- جاسوسی علیه امام علی (ع)
۱۲۷ ۷- ایجاد تفرقه و ناامنی در سپاه امام علی (ع)
۱۳۲ ۸- رشوه دادن در جهت تضعیف حکومت امام (ع)
۱۳۴ ۹- نقشه و توطئه براندازی حکومت علی (ع)
۱۳۷ ۱۰- ترور امام علی (ع)

بخش سوم: شیوه‌های برخورد امام علی (ع) با مخالفان

- مقدمه بخش ۱۴۲
- ۱- سکوت بخاطر حفظ دین اسلام ۱۴۴
- ۲- هدایت و موعظه مخالفان ۱۴۸
- ۳- گفتگو و مذاکره با مخالفان ۱۵۱
- ۴- برخورد مسالمت آمیز با دشمنان ۱۵۴
- ۵- سازش و مدارا با مخالفان ۱۵۸
- ۶- تهدید و هشدار مخالفان ۱۶۰
- ۷- آزادی مخالفان ۱۶۴
- ۸- برخورد قاطع با کج رویها ۱۶۹
- ۹- دفاع در برابر متجاوزان ۱۷۳
- ۱۰- عفو و گذشت مخالفان ۱۷۵
- منابع و مآخذ ۱۷۸

چکیده

دشمن‌شناسی از بنیادی‌ترین مباحثی است که در نهج‌البلاغه بدان پرداخته شده است. در این میان، شناخت انسانها و هویت آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پایبندی امام علی (ع) به ارزشهای الهی و عدالت محوری ایشان سبب شد که گروهی بخاطر افزون‌طلبی و دنیاطلبی با وی دشمنی کنند. مخالفانش از هر شیوه و روشی برای از بین بردن فضایل آنحضرت استفاده کردند، بطوریکه بدترین تهمتها و اهانتها را به آن بزرگوار زدند و لعن و سب او را عبادت شمردند، خصوصاً پس از رحلت پیامبر اعظم (ص) کینه‌ها و دشمنی‌ها شدت گرفت، بویژه زمانیکه پس از ۲۵ سال سکوت و خانه نشینی، مردم با او بیعت کردند و او را به رهبری جامعه برگزیدند، هم دشمنان جاه‌طلبی که حکومت حضرت را مخالف منافع خود می‌دیدند و هم مخالفان دیرینه آن حضرت که کینه‌های پنهان در دل داشتند و خواهان براندازی حکومت علوی بودند پرچم مخالفت برافراشتند و به جنگ با او برخاستند، نیز در بین آنها گروهی نادان و کج اندیش پیدا شدند که به گروه مخالفان علی (ع) پیوستند.

آنچه در این نوشتار بررسی خواهد شد، شناخت مخالفان امام علی (ع) و درگیریهای آن امام همام با این گروهها است، اینکه چگونه مخالفان امام (ع) برای محو اسلام راستین کوشیدند و انگیزه‌های مادی را در قلمرو جهت‌گیریهای سیاسی خود قرار دادند و به چیزی جز حکومت نیندیشیدند، همچنین به بررسی رفتار متقابل امام و مخالفان آن بزرگوار در عرصه‌های جنگ و جهاد و نوع نگرش امیر المومنین (ع) نسبت به حکومت و هدف انگیزه‌ای که ایشان در این زمینه داشت، پرداخته شد.

پیشگفتار

همواره در طول تاریخ بشریت حاکمان بسیاری پا به عرصه گذاشته‌اند و خواهند گذاشت. و هیچ حکومتی نیز در دوران حاکمیتش بدون مخالف نبوده و نخواهد بود. اما آنچه حاکمان را محبوب ملت‌ها می‌کند، عملکرد آنان بخصوص در ارتباط با خود، خویشاوندان، یاران و مخالفان خود می‌باشد، بطوری که حاکمان متناسب با عملکرد خود در حافظه انسانها و در دفتر تاریخ ماندگار خواهند شد.

حاکمان ظالم به عنوان الگوی ظلم، ستم، فساد و ضرب المثلی برای عبرت انسانها، و حاکمان صالح نیز الگوی عدالت، انصاف، جوانمردی و ضرب المثلی برای جوامع انسانی و ایده‌آل درآمده‌اند. هر چند که مخالفت در برابر حکومتها نیز متفاوت است. یعنی اگر مخالفت در برابر حکومت نامشروع باشد، کسانی که در این زمینه تلاش می‌کنند در میان مردم از محبوبیت خاصی برخوردارند و به عنوان قهرمانان ملی محسوب می‌شوند، و برعکس اگر مخالفت بر علیه

حکومت مشروع باشد، مقابله با آن و تلاش در جهت سرنگونی آن نوعی خواری و ذلت است و خودبیگانگی تلقی می‌شود.

از آنجا که یکی از مسائل مهم و اساسی در زندگی فردی و اجتماعی بشر شناخت افراد پیرامون خود و پی بردن به هویت و شخصیت آنهاست، بنابراین همواره در فکر آن بودم که نظرات و دیدگاههای مولای متقیان علی(ع) را در مورد افراد مخالف خود در جبهه‌های مختلف و انگیزه‌های آنان و چگونگی برخوردشان با آنحضرت و نیز برخورد امیرالمؤمنین علی(ع) با آنها، خصوصاً اندیشه‌های سیاسی آن بزرگوار در عرصه‌های جنگ و جهاد با مخالفان خود را جمع آوری کنم، و چون طبق بررسی‌های انجام شده تاکنون رساله‌ای با این عنوان تدوین نشده بود، و حال آنکه جامعه کنونی نیازمند به اندیشه‌های ارزشمند آن بزرگوار در عرصه‌های جهاد و سیاست می‌باشد، لذا مبادرت به انتخاب این موضوع نمودم.

روش کار بدین گونه بود که ابتدا انواع مخالفان سیاسی حضرت علی(ع) را در نهج‌البلاغه از میان خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های گهربار آن امام همام استخراج کرده، سپس نظرات و دیدگاههای آن بزرگ مرد تاریخ را در هر بخش و موضوع مربوطه به صورت تفکیک شده، حتی در جزئیات بیان کردم و با مراجعه به شروح نهج‌البلاغه و کتب تاریخی و تفاسیر و تطبیق آیات قرآنی با برخی از شخصیتها و عملکردهای آنان به بحث و بررسی آنان پرداخته

همچنین در برخی موارد دیدگاه‌های بعضی از متقدمین و متأخرین در رابطه با انواع مخالفان را آوردم، هر چند که در این راه سختی‌هایی نیز متحمل شدم و مجبور شدم برای دسترسی به برخی منابع قدیمی و دست اول به کتابخانه‌های بزرگی چون آستان قدس رضوی، گوهرشاد، مجلسی و... مراجعه کنم، اما چه رنج و زحمتی بهتر از اینکه انسان بتواند لحظاتی از عمرش را صرف پژوهش درباره تاریخ زندگی و سیره آنحضرت و شناخت مخالفانش و چگونگی مواجهه آن بزرگوار با مخالفان خود نماید، لذا مباحث رساله‌ام را در سه بخش ذیل تنظیم نمودم.

بخش اول: جریان‌های سیاسی مخالف امام علی(ع): شامل اقسام مخالفان سیاسی آنحضرت و جبهه‌گیری‌های آنان و انگیزه‌های آنان از این مخالفتشان و جنگ‌هایی که با حضرت داشته‌اند. همچنین در آغاز هر فصل جریان‌های سیاسی و سران آنها را از دیدگاه پیامبر(ص) بررسی کرده، اینکه چگونه رسول خدا(ص) با اطلاعاتی که از منبع وحی داشته، این حوادث را پیش‌بینی کرده و راد را به مسلمانان نشان داده است.

بخش دوم: روش‌های برخورد مخالفان امام علی(ع) با آنحضرت: در این بخش با مراجعه به نهج‌البلاغه و کتب تاریخی مجموعه روش‌هایی که مخالفان در مقابله با امیرالمؤمنین علی(ع) به کار برده‌اند و نیز به مهم‌ترین عوامل مخالفت آنان پرداخته شد.

بخش سوم: شیوه‌های برخورد امام علی(ع) با مخالفان: این بخش از سیره امام علی(ع) که از درس آموزترین بخشهای تاریخ سیاسی زندگی آن بزرگوار است، به شیوه‌های آن حضرت در برخورد با مخالفانش مخصوصاً در طی سه نبرد ویرانگر داخلی و نحوه برخورد ایشان با جنگ افروزان پرداخته شد و اینکه وی هرگز آداب اخلاقی را فرو نگذاشت و هیچ گاه از ارشاد و راهنمایی دشمنان غفلت نکرد.

بنابراین شناخت امیرالمؤمنین(ع) در گرو شناخت مخالفان اوست، و از این رهگذر می‌توان دانست که بر آن حضرت چه ظلمی شده است و چرا عده‌ای با ایشان به مخالفت برخاسته و جنگیدند.

به امید آنکه این نوشته راهی باشد برای شناخت بهتر امام علی(ع) بویژه چهره ناشناخته آن بزرگوار که در میدان سیاست و جهاد اتفاق افتاده است گرچه باز هم بر این باوریم که انسان در هیچ میدانی به اندازه تلاش در این میدان احساس حقارت و کوچکی نمی‌کند. اما می‌توان از آن حضرت در مقام عمل الگو گرفت و آرزوی توفیق و تلاش برای همه کسانی که برای نشر معارف دینی تلاش و کوشش می‌کنند.

بخش اول

جریانهای سیاسی مخالف

امام علی (ع)

مقدمه بخش

یکی از مباحث مهم فلسفه سیاسی اسلام، احکام بغات یا جنگ داخلی مسلمانان و خروج بر حاکم اسلامی است. طرح احکام بغات با نام ناکثین قاسطین و مارقین همراهِ است. و با توجه به آیات قرآن کریم اگر نسبت به آغاز مبارزات پیامبران از جمله: حضرت موسی یا عیسی و یا حضرت ابراهیم (ع) و نیز پیامبر اکرم (ص) تا پایان مراحل تشکیل دولت و ملت، استخراج و سازماندهی شود، متوجه خواهیم شد که تلاش و مبارزه سیاسی پیامبران الهی دارای چه ویژگیهای ارزشمند سیاسی بود که انواع مدیریتها را سامان بخشیدند، و با انواع ظلم و نابرابریها مبارزه کردند.

احادیث فراوانی از نبی مکرم اسلام (ص) در دست است که در جوامع روایی و کتابهای خاصه و عامه آمده است، و تمام این احادیث، با عناوین مختلف ترسیم کننده جایگاه و شأن والا و حقانیت و عصمت امیر مؤمنان (ع) و

رسالت سنگین پاسداری آنحضرت از دین و حق است.

رفتار سیاسی امیرالمؤمنین علی (ع)، پرتویی از سیر و سلوک دینی و جلوه‌ای از تسلیم او در برابر فرمان الهی بود. امام چه هنگامی که به سکوت و کناره‌گیری ۲۵ ساله تن داد و چه آن زمان که رهبری سیاسی جامعه اسلامی را برعهده گرفت، در پی آن بود که نشانه‌های دین را در جای خود بنشانند و حدود الهی را از پایمال شدن برهاند.

امام علی (ع) در دوران زندگانی خویش، به طور کلی با پنج گروه مخالف روبرو بود که هر یک از مخالفت خود انگیزه‌هایی داشتند و بر اصلاحات علوی می‌تاختند و قصد داشتند آنحضرت را از پرداختن به برنامه‌های حکومتی و عدالت پیشه‌اش بازدارند. بنابراین تصویری کلی از این گروه‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

فصل اول: ناکثین

ناکثین و علل پیدایش آن

این حزب متشکل از گروهی بود که در آغاز با علی (ع) بیعت کردند؛ اما پس از مدت کوتاهی به انگیزه‌های گوناگون، پیمان خویش گسستند. آنان پس از آنکه مولای متقیان به حکومت رسید و ارزشهای الهی را جایگزین ارزشهای غلط به جا مانده از حکومت‌های پیشین نمود، از حکومت حضرت مایوس گردیده و با وی مخالفت نمودند و گروهی را به تردید انداختند، به طوریکه حاضر به شرکت در جنگ‌های داخلی دوران امام علی (ع) نشدند.

سران این حزب طلحه، زبیر و عایشه بودند. طلحه و زبیر که از اصحاب رسول خدا بودند و در دوران پیامبر (ص) از اعتبار خاصی بین مسلمانان برخوردار بودند و در شورای خلیفه دوم خود را هم‌ردیف با حضرت علی (ع) قلمداد می‌کردند. از طرفی نیز در دوران عثمان با فراهم شدن زمینه‌های دنیاگرایی و جمع آوری ثروت و اموال، به سرمایه دارانی تبدیل شدند که نه تنها پول پرستی در روح آنها رخنه کرده بود بلکه انتظار پست و مقام نیز از امام داشتند. آنها به دلیل بیعتی که به اصرار خود با امام نمودند چند روز بعد از گذشت بیعت با امام به حضور آن بزرگوار رسیدند و عرض کردند: «یا امیر المؤمنین! تو می‌دانی که پس از پیامبر خدا بر ما جفا شد و ما در زمان گذشته

محروم بودیم! و عثمان مناصب و ریاست را بین فرزندان بنی امیه تقسیم نمود، اکنون ما را در کار خود شریک گردان.»^(۱)

امام فرمود: «شما در نیرومندی و راستی دو شریک من هستید و در ناتوانی و گرانباری دو یار من هستید» و فرمانداری یمن را به طلحه و استانداری یمامه و بحرین را به زبیر داد. لیکن چون حکم آنها را داد به امام چنین گفتند: «از این صلۀ رحم جزای خیر بینی» امام فرمود: «زمامداری امور مسلمانان با صلۀ رحم چه کار! پس حکم را از آن دو پس گرفت. آنها از این کار ناراحت شدند و گفتند: «دیگران را بر ما ترجیح دادی» امام فرمود: «اگر حرص و طمع شما آشکار نمی گشت مرا درباره شما عقیدهای بود.»^(۲)

طلحه و زبیر هنگامی که دیدند توقعاتشان برآورده نشد، بعد از گذشت چند روز به نزد امام علی (ع) آمدند و گفتند: ما قصد عمره داریم، ما را اجازه بده جهت انجام این فریضه بیرون رویم و به روایت بعضی علی (ع) به آن دو یا به شخصی از اصحاب خود فرمود: «به خدا قسم که آنها قصد عمره نداشتند بلکه قصد بیعت شکنی داشتند.»^(۳)

البته طلحه و عایشه که به دنبال دنیاطلبی و جاه طلبی بودند و عداوت

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۷.

۳- همان مأخذ، همان صفحه.

دیرینه و کینه نسبت به علی داشتند و از طرفی انگیزه‌های قومی و قبیلگی در آنها تشدید شده بود، دوست داشتند حکومت بار دیگر به خاندان آنها باز گردد.

همچنانکه امام نیز درباره علل اصلی پیدایش این فتنه می‌فرماید:

«شما ای مردم عرب هدف بلایایی قرار گرفته‌اید که نزدیک است شما را فرا گیرد پس پرهیزید از مستی و ثروتها و برکنار مانید از مصیبت کینه و انتقام به راستی مستی نعمتها گروهی از مجاهدان پاکباخته را منحرف نمود... آنان در به دست آوردن دنیای پست بر هم سبقت می‌گیرند، و چونان سگهای گرسنه، این مردار را از دست یکدیگر می‌ربایند...»^(۱)

رهبران جریان ناکثین از نگاه پیامبر (ص)

پیمان شکنان همان نامی است که رسول خدا (ص) بر آنان نهاده بود. نبی اکرم (ص) این گروه را «ناکثین» لقب داده بود. همچنانکه ابو ایوب انصاری صحابه پیغمبر می‌گوید: «سمعت النبی (ص) یقول لعلی بن ابیطالب... ستقاتل الناکثین»^(۲) یعنی: شنیدم پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: تو با بیعت شکنان خواهی جنگید.

ابن ابی الحدید می‌گوید:

۱- نهج البلاغه، خطبه شماره ۱۵۱.

۲- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیین، دار الکتب العلمیه، ج ۳، ص ۱۵۰.

«هنگامی که طلحه و زبیر می‌خواستند با علی (ع) بیعت کنند، حضرت این آیه شریفه را تلاوت کرد: «وَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ»^(۱) یعنی: هر کس پیمان شکنی کند به زیان خود اوست.»

و نیز می‌افزاید: «گویا نبی اکرم (ص) علی را از این جریان باخبر کرده بود که همین افرادی که دست در دستش گذاشته‌اند، چند صباحی نخواهد گذشت که علیه او شمشیر می‌کشند.»^(۲)

زبیر که به عنوان یکی از رهبران این حزب به شمار می‌آید، گذشته از آنکه نوۀ عبدالمطلب بوده و از این جهت با پیامبر (ص) و علی (ع) نسبت خانوادگی داشت، برای اسلام نیز زحمات زیادی کشید، او در جنگهای صدر اسلام هم رزم علی (ع) بوده و در شرایط سخت و دشوار کنار رسول خدا (ص) از اسلام و پیامبر (ص) دفاع کرد. حتی بعد از وفات رسول خدا (ص) از مدافعان سرسخت ولایت علی (ع) بود که خود حضرت امیر (ع) نیز این دفاع زبیر را تأیید کرده و می‌فرماید: «زبیر پیوسته خود را از ما، به حساب می‌آورد تا اینکه فرزند نافرخته‌اش عبدالله پا به جوانی گذاشت.»^(۳)

حضرت علی (ع) تلاش زبیر در کنار رسول خدا (ص) را نیز قبول داشت

۱- سوره فتح / آیه ۱۰.

۲- عز الدین ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳- دشتی، محمد، نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۵۳.